



نقل از: کتاب گفتگوهای تعاونی  
نوشته: الی کروین  
برگردان از: گروه مترجمین

## در هندوستان

# الگوهای تعاونی به بینوایان زندگی جدیدی اهداء میکند

اصلی این طرح، تشویق و ترغیب تعاونیها بعنوان ابزاری برای توسعه اقتصادی اجتماعی میباشد. با بهره‌گیری از این طرح، میتوان به تعاونیها در تقویت مالی و بهینه سازی نحوه توزیع و پرداخت وام، ارائه اعتبارات، افزایش آگاهیهای عمومی و نهایتاً توسعه اقتصادی اجتماعی زندگی اعضا، کمک شایانی کرد.

این دوره های آموزشی را از طریق تعاونیها و با حضور هشت تا ده نفر به مدت پنج روز برای اعضا جدید و سه روز برای سایر اعضا و یک روز برای بهبود وضع زنان، افزایش رفاه خانواده و بطور کلی، حفاظت از محیط زیست، میتوان ارائه نمود.

کاشال میگوید: هدف عمده آنها این است که به مردم بیاموزند، چگونه از طرحهای توسعه اجتماعی اعلام شده توسط دولت، حداکثر بهره را در زندگی شخصی

طریق الگوهای تعاونی، شروع نمود. زنانی که زندگی خود را با گدائی سپری میکردند، در قالب گروههایی که بجای گدائی با همکاری یکدیگر به صورت انجمنهایی مؤثر در اجتماع و مولدینی درآمدزا مبدل میشدند - سازماندهی گردیدند.

ام. آر. کاشال رئیس طرح آموزشی تعاونی موسوم به «NCUL» در ایالت سولان است که با وسعتی معادل ۱/۹۲۶ کیلومتر مربع، جمعیتی برابر با ۲۸۲/۲۶۸ نفر را در خود جای داده است. سرپرستی طرح در سولان شهری با ۱۵۰۰۰ نفر سکنه واقع در دهه بین کالکا، شیملا در دامنه‌های سبز و خرم هیمالیا قرار داشت.

آنطور که کاشال توضیح میدهد، گویا دولت در سال ۱۹۹۴ و با هدف تحت پوشش بیشتر قرار دادن دهکده های فقیر، این طرح را از شیملا به سولان منتقل نمود. هدف

زن میانسال دست خود را از سر تا بازو لمس می‌کند، از دهکده ای به دهکده دیگر میرود و از خانه ای به خانه دیگر - او بیش از ۵۰ سال بدینگونه زندگی کرده است. او امروزه، امور زندگی خویش را با تکیه نمی گذراند، اما بخوبی بیاد می‌آورد که زمانی تنها منبع درآمد او برای ادامه حیات، گدائی بود. او از طریق مترجم بما گفت: «در درون خود احساس بسیار بدی داشتم، احساس میکردم هیچ ارزشی ندارم».

قریب به شصت سال پیش، اتحادیه ملی تعاونیهای هند با بکارگیری طرحهای آموزشی تعاونی، او را تحت نفوذ و سیطره خویش قرار داد.

دولت هند، با استفاده از صندوقهایی که با هدف کمک مالی به ایالات توسعه نیافته، تاسیس شده بودند، این برنامه را با انگیزه توسعه اقتصادی اجتماعی و از

نصیب خود و خانواده خود نمایند؛ برنامه هائی که سابقاً یا از آن بد استفاده می‌شد و یا اینکه اصولاً حداقل استفاده از آن می‌شد. افرادی از دهکده های توسعه نیافته با افرادی از فرقه های مذهبی عقب مانده با یکدیگر ادغام شده و مجموعاً اشخاص مورد نظر (هدف) طرح مورد بحث را تشکیل می‌دهند. مدیران شرکتهای تعاونی و رهبران محلی با کمک یکدیگر نسبت به پذیرش اعضاء جدید از بین مشارکت کنندگان در دهکده های خویش، اقدام مینمایند. در درون ایالت مناطق زراعی عمده‌ای وجود دارند که هر یک دارای ده تعاونی کشاورزی میباشند. در هر یک از این منطقه حدود بیست تاسی روستا وجود دارند - تنها در داخل ایالت «دهار آسپور - گروههای خودگردان با تعداد بیش از ۱۸۴ عضو، تشکیل گردیده‌اند. در دیگر مناطق زراعی (ایالات) دو گروه کمکی شکل یافته‌اند.

طرح مورد بحث سه سال پیش و زمانی که یکی از اعضاء انجمن محلی به تأسیس یک گروه ۲۳ نفره بانوان خود گردان کمک شایانی نمود، توفیق لازم را بدست آورد این منطقه زراعی در ایالت سولان قرار دارد. همچنین «گروه خودگردان» بانگالا بیش از سه سال است که در حال فعالیت می‌باشد.

این بانوان بی‌سواد بوده و الکلیم از مشکلات و معضلات مهم جامعه آنان بشمار میرفت، آنها با رفت و آمد از روستائی به روستائی دیگر، به حضور و موجودیت خویش افزودند.

بسیاری از آنها بعنوان مارگیر امرار معاش میکردند و یا با فروش پره‌های پرندگان مخارج زندگی خود را تأمین مینمودند زمانی که طراح و مجری طرح تعاونی آموزش زنان، خانم سونیتا Thakur (تاکور) برای اولین بار، قدم در روستا گذاشت، بعلتی از زنان روستائی، سگها را تحریک نمودند تا به وی حمله نمایند.

خانم تاکور با کمک مترجم می‌گوید: آنها مرا نمی‌شناختند و به من اعتماد نداشتند. او در ادامه می‌گوید: من به تماس مداوم خویش با زنان در آن جامعه روستائی ادامه دادم و سرانجام پس از طی مدتی حدود هشت ماه، آنها طرحهای مرا پذیرفتند.

یکی از اعضاء یک گروه خودگردان می‌گوید: ما معتقد بودیم که هیچ چیز تغییر نخواهد یافت، لیکن خانم "سونیتا تاکور" بما درباره چیزهایی که میتوانستند به کمک ما بیایند، مطالبی را بیان داشت.

خانم تاکور در این مورد که نوشیدن و گدائی کردن، بهبودی را در وضعیت زندگی زنان، بوجود خواهد آورد، با آنها به بحث و تبادل نظر می‌پرداخت. او پیرامون موضوعاتی نظیر، آموزش، بهداشت، بهسازی، چگونگی پخت مواد غذایی، بهبود شرایط عمومی زندگی و نیز تأمین سلامت خانواده با آنان به گفتگو می‌پرداخت. او اهمیت فرستادن بچه ها به مدرسه را مورد تأکید قرار می‌داد.

شوهران آنها، در زمینه حضور همسران خویش در گروههای خودگردان (خود یار) بسیار بی‌میل

و ناراضی بودند. در ابتدا هم تشکیلات گروههای خود یار در روستای آنها، با مخالفت شدید آنها روبرو گردید. اگرچه طراحان و مجریان طرح سعی داشتند، به مردان اطمینان لازم را بدهند، لیکن این زنان روستائی بودند که سعی در ترغیب شوهران خویش داشته و استدلال میکردند که پیوستن آنها به طرح، منافع کل خانواده را تأمین خواهد نمود.

یکی از اهداف سریع طرح «گروه زنان خود یار» یافتن راههای تولید درآمد و جلوگیری از ادامه تکدی‌گری توسط بانوان بود. طرح به آنان کمک میکرد تا بتوانند فرصتها را به موقع مورد شناسائی قرار داده و از آنها استفاده مطلوب ببرند.

آنها بر روی خاطرات گذشته زنان پیرامون مسافرت از روستائی به روستای دیگر خط بطلان کشیده و در عوض گدائی، آنان را برای ایجاد سرمایه تشویق به فروش گلوبند و زیورآلات طلا می‌نمودند.

آنها، هر روز از ۸ صبح لغایت ۶ بعد از ظهر با طی مسافت پنج کیلومتر به روستاهای همجوار رفته و اجناس خود را به فروش میرساندند. زنان در فروش کالاهای خویش مستقل عمل می‌کنند، لیکن از مجموع قدرت خویش برای خرید انبوه استفاده مینمایند. هم اکنون، آنها حدود ۴۰ تا ۵۰ روپیه در روز درآمد کسب می‌کنند.

در حالیکه درآمد روزمره آنها معادل درآمد گدائی آنها بود، چه چیزی باعث تغییر در مقام و شخصیت آنها میگردد؟

یکی از بانوان اظهار می‌دارد: موقعی که گدائی میکردم، احساس بسیار بدی داشتم. مردم از من می‌پرسیدند، اگر من قادر به تأمین نیازمندیهای مادی خویش بودم، پس چرا به گدائی می‌پردازم.

در این میان خودشناسی و اتکا به نفس نیز بتازگی در بین آنان افزایش یافته است به گونه‌ای که تصویر آن، در راه و رسم اداره منزلشان و نحوه سرگرم کردن گردشگران (توریستها) بخوبی نمایان است. آنها به مقولهٔ زیبایی شناسی، توجه فراوان کرده و به میهمانان و توریستها جای و بیسکویت تعارف می‌کنند!

آنها با استفاده از اعتماد به نفسی که اخیراً بدست آورده‌اند، قدرت لازم جهت رویارویی با رویدادهای گوناگون زندگی را کسب کرده‌اند. در واقع همین زنان بودند که اولین گامها را در توقف مشسروبخواری همسرانشان برداشتند. شوهران نیز بسهم خود، سعی کرده‌اند با فروش اقلامی نظیر لیوانهای چایخوری و انواع کفش، در ادارهٔ زندگی نقش مهمی ایفا کنند.

شوهران در ادارهٔ امور خانه نیز به‌گونه‌ای جدی دست بکار شده‌اند. آنها در حمل آب و هیزم مورد نیاز و کمک به تهیهٔ غذای خانواده بسیار کوشا شده‌اند.

امروزه، زنان به اهمیت فراوان، فرستادن بچه‌ها به مدرسه واقف گشته‌اند. یکی از آنها میگوید: ادامه حضور فرزندانم در مدرسه و اشتغال آنان به تحصیل اهمیتی غیرقابل انکار دارد. من میخواهم

آنان در آینده مشاغل خوبی داشته باشند.

یکی از همین بانوان با شور و اشتیاق فراوان می‌گوید: «پسر من هم‌اکنون گواهینامه رانندگی با کامیون را بدست آورده است». من امیدوارم بتوانم با اخذ وامی به او در خرید یک کامیون برای خودش کمک مؤثری بنمایم.

بسیاری از این زنان تا قبل از پیوستن به طرح، عضو هیچ گروه سازمان یافته‌ای نبوده‌اند اجرای این طرح به آنها آموخت که چگونه مدیران اجرائی را انتخاب کرده و با استفاده از آئین‌نامه‌های مختلف، مجامع و گردمعاثیهای گوناگونی را اداره نمایند.

آنها از طریق مجامع عمومی ماهانه - توانستند یک رئیس، نایب‌رئیس، صندوقدار و یک منشی (کارمند دفتری) انتخاب نمایند.

این بانوان در آغاز کار طرح هر ماه حدود ۱۰ روپیه سرمایه‌گذاری می‌کردند، اما امروزه این مبلغ به ۲۰ روپیه افزایش یافته است. یکی از اعضا گروه (NGO) با اختصاص مبلغ ۲۰۰۰۰ روپیه، به توسعه بیشتر یک گروه کمک مؤثری کرده است.

و اکنون پس از گذشت سه سال و نیم، همه چیز در درون گروه بهبود قابل ملاحظه‌ای داشته است.

زنان توانسته‌اند شرافت نفس و مناعت طبع فراوانی را بدست بیاورند. تجار و بازرگانانی که در ابتدای امر با اهانت زیاد آنان را از خود میراندند، اکنون به آنان وام و اعتبار پرداخت میکنند.

اغلب این اعضا در ابتدا، بی‌سواد بودند و به جای امضاء در پای اوراق، از انگشت شصت خود

جهت شناسائی و سایر امور، استفاده میکردند. لیکن در حال حاضر بسیاری از آنها خواندن و نوشتن را فرا گرفته‌اند. معذالک، اعضاء گروه همچنان با مشکلات فزاینده‌ای روبرو هستند. بانکداران نسبت به آنها بی‌اعتماد هستند و با زنان به گونهٔ اعضائی فاقد تجربه و کارآیی لازم برخورد مینمایند.

طرح مذکور، ببعنوان یک میانجی، در انتقال مسائل به درون جامعه، عمل مینماید. مدیر مسئول طرح آقای "کاشال" معتقد است که احترام گذاشتن روستائیان و بازرگانان به یکدیگر، از اهمیت فراوانی برخوردار میباشد

وی می‌افزاید: در شرایطی که امری در حال پیشرفت فزاینده‌ای باشد، هر تغییر کوچکی در زندگی این زنان، بهبود قابل ملاحظه‌ای تلقی خواهد شد. کار کردن به قصد امرار معاش علاوه بر افزایش اعتماد بنفس، برای خود بانوان، عزت و احترام برای آیندهٔ بچه‌ها را نیز تأمین خواهد نمود.

بسیاری از این زنان با انواع دیگر شرکتهای تعاونی در منطقه نیز همکاری داشته‌اند.

ظرف مدت یکسال، گروه امیدوار است بتواند خود را بموجب قانون شرکتهای تعاونی به ثبت برساند.

طرح دانش (آموزش) تعاونی در جستجوی استراتژیهای جدید و ابداع راههای بهبود شرایط زندگی روستائیان میباشد. در ماه نوامبر، آنها کارگاهی را طرح ریزی کردند که در آن بتوانند به تعلیم صنایع دستی از مواد بازیافتی کیسه های پلی اتیلن، زنبیل های

## الگوی تعاونی نشان داده است که می‌تواند به عنوان ابزاری بسیار مهم و مؤثر در توسعه اجتماعی و اقتصادی مطرح شود.

آنها در خصوص فرزندانشان، به راحتی اثبات می‌گردد.

التّوی تعاونی، نشان داده است که میتواند به عنوان ابزاری بسیار مهم و مؤثر در توسعه اجتماعی در شهر «سولان Solan مطرح شود. و سرانجام اینکه با آموزش بانوان در زمینه همکاری با یکدیگر، اصول و ارزشهای تعاون نسل جدید را از مواهب حیات بهره‌مند خواهد نمود.

آنها با همکاری با گروهها ادامه داده و بمنظور تأمین منابع مالی، در گردهمائیهای ماهانه شرکت حضوری فعال دارند. طرح مورد بحث در تسضمین احترام و شخصیت ارزشی این افراد، نقشی در خور توجه ایفا نموده است. این ادعا از طریق نحوه حضور آنها در فعالیتهای روزمره، انجام امور خانه، قدرت گفتگوی آنها (حتی در برابر مردان جامعه) و آرزوهای

چوب خیزران به بانوان بپردازند. تحت تعلیم و نظرات کارشناسی NGO، طرح مذکور توانست هر سیزده گروه جدا از هم را یکی کرده و برای آنها فرصتهای برابری جهت همکاری با یکدیگر را ارائه نماید. زنان امیدوارند که بتوانند محصولات خویش را در بازارهای محلی به فروش برسانند.

فرصتها بی‌پایان هستند یکی از گروههای خودیار در منطقه سولان که هم‌اکنون به صورت تعاونی اداره می‌شود، بازارهای پشم خرکوشهای آنگورا را در اختیار و انحصار خود دارند. این تعاونی که در سال ۱۹۹۱ یا ۳۰ نفر عضو کار خود را آغاز کرد، تعداد ۷۰ خرکوش را در آن زمان تحت مراقبت خود داشتند. این خرکوشها سالی چهار نوبت پشم چینی میشوند، که در مجموع در هر نوبت پشم چینی معادل ۳۰۰ گرم پشم تولید میشود که مبلغ حاصل از فروش آنها نیز معادل ۷۵۰ روپیه برای هر کیلوگرم میباشد.

ورود بانوان در عرصه کار و فعالیت بر اساس الگوی تعاونی، باعث گردیده است که این بانوان دارای عقایدی خاص خود باشند. یکی از اعضاء یک گروه خودیار چنین اظهار می‌دارد: من میخواهم با دریافت وام، کسب و کاری متعلق به خودم را آغاز کنم.

کارکنانی که با این طرح همکاری مینمایند، افرادی اصیل و متعهد به الگوی تعاونی هستند.

